

آماده‌سازی تربیتی حاکم اسلامی در خدمت‌گزاری مردم از منظر حضرت امیر علیه‌السلام در نهج‌البلاغه

حسین جلائی نوبری^۱

^۱ دانشیار و هیئت‌علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز-ایران، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

چکیده

از منظر امام علی علیه‌السلام چاره‌ای جز این نیست که در هر جامعه‌ای امیری حاکم باشد صالح و سالم باشد، یا فاجر و فاسد. چراکه حتی حاکم فاسد بهتر از بدون حاکمیت (هرج‌ومرج) است. در اندیشه سیاسی امام علی علیه‌السلام دولت و نهاد دارنده قدرت و حکومتی که این قدرت را اعمال می‌کند، همه و همه وسیله‌ای است برای خدمت و اصلاح زندگی این جهانی و آن جهانی مردمان هست. امام علی علیه‌السلام به مناسبت‌هایی، وظایف حاکم را، در قالب نامه‌ها و خطبه‌ها بیان کرده و هیچ عذری را برای تخلف آن‌ها باقی نگذاشته است. از نظرگاه حضرت علی علیه‌السلام حاکم به‌طور عمده سه وظیفه خطیر بر عهده دارد: ۱. وظیفه حاکم در قبال آموزه‌های دین که زیربنای حاکمیت را تشکیل می‌دهد. ۲. وظیفه حاکم در مقابل عموم مردم که پشتوانه‌ای قوی و ستون‌های استوار حکومت می‌باشند. ۳. وظیفه حاکم در برابر کارگزاران (اجرایی، قضایی، نظامی) که هرکدام وظیفه‌ای خاص بر عهده‌دارند و هیچ‌کدام از دیگری بی‌نیاز نیستند؛ و سؤال اصلی این مقاله این است که؛ از منظر نهج‌البلاغه حاکم اسلامی چه وظایفی را در برخورد با مردم دارد؟ البته لازم به ذکر است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه حاکم اجرای دقیق و بی‌کم‌وکاست فرمان‌ها الهی و صیانت از آن‌ها به‌وسیله نظارت دقیق و جدی بر حسن اجرای آن‌هاست. این مقاله از سری تحقیقات کتابخانه‌ای با استفاده از اسناد و مدارک و با شیوه بررسی محتوایی، هست.

واژه‌های کلیدی: امام علی علیه‌السلام، حاکمیت، دین اسلام، نهج‌البلاغه، وظایف.

مقدمه

از آنجاکه اسلام آیین خاتم و مدعی حکومت جهانی است دارای تئوری حکومت دینی و اسلامی هست. یکی از مباحث اصلی مطرح در حکومت اسلامی، وظایف حاکم اسلامی است؛ و از آنجاکه اکثریت قریب به اتفاق خُطب و نامه‌های کتاب وزین نهج‌البلاغه در زمان زمامداری هرچند کوتاه‌مدت امام علی علیه‌السلام صادر شده است رهبری که سرآمد و اسوه تمام حاکمان اسلامی، بلکه تمام حکام عالم هست. حاکمی که می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَ لَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَا وَ أَنْتَاهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا» ای مردم! سوگند به خدا من شمارا به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر آن‌که پیش از آن، خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شمارا باز نمی‌دارم، جز آن‌که پیش از آن، ترک گفته‌ام. به همین جهت ضروری می‌نماید که وظایف رهبر جامعه اسلامی از منظر این حکیم الهی و قرآن ناطق برشماریم.

تحقیق و پژوهش درباره «حکومت و حاکمیت» سابقه‌ای طولانی دارد؛ و این موضوع از اساسی‌ترین محور گفتگوی اندیشمندان سیاسی از یونان باستان تاکنون بوده است. در این زمینه تألیفات فراوانی چاپ و منتشر شده است. گرچه پیشینه تاریخی «حکومت و رهبری» در تاریخ سیاسی اسلام، به آغاز تثبیت پایه‌های حاکمیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه و عصر خلافت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بازمی‌گردد. اما تاریخچه تبیین مفاهیم سیاسی و نظریه‌های حکومت دینی به‌صورت دانشگاهی در دوره معاصر به بیش از یکصدوپنجاه سال گذشته برمی‌گردد. اباین‌حال تردیدی وجود ندارد که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پژوهش منجسم و مدون درباره اندیشه‌های سیاسی اسلام و مبانی آن، با محوریت اندیشه‌های سیاسی امام علی علیه‌السلام بندرت یافت می‌شود. استقرار حکومت دینی به رهبری بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) از یک‌سو و ابتکار به‌موقع و به‌جا مقام معظم رهبری در اعلام سال‌های ۷۹ و ۸۰ به‌عنوان سال امیرالمؤمنین علیه‌السلام، زمینه مناسبی را برای صاحبان اندیشه و قلم فراهم آورد. تا تحقیقات ارزنده و پرمحتوایی را درباره اندیشه‌های سیاسی اسلام به‌ویژه از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به جامعه دینی و محافل علمی عرضه کنند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران جامعه علمی کشور همواره تألیفاتی تحت عنوان کتاب مثل؛ حکمت و اصول سیاسی اسلام (علامه جعفری)، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه‌السلام (فاضل لنکرانی)، دلالت دولت (مصطفی دل‌شاد تهرانی) و ... و مقالاتی همچون؛ ویژگی‌های حاکم اسلامی (محمدعلی بصیری)، وظایف حاکم اسلامی در نهج‌البلاغه (آقاجانی) و ... بوده و در سال‌های اخیر هم شاهد کارهای بزرگ گروهی مانند دانش‌نامه امام علی (ع) (زیر نظر علی‌اکبر رشاد) و ... هست. همه این‌ها از زاویه‌ای به مقوله وظایف رهبری از نظرگاه نهج‌البلاغه نگریسته‌اند، ولی این نوشته بر آن است تا عمده مباحثی که در کتاب شریف نهج‌البلاغه در مورد وظایف حاکم اسلامی در برخورد با مردم آمده است را در حدّ وسیع، در یکجا به پیشگاه صاحبان اندیشه عرضه بدارد.

۱. ددتی، نذاللالا، خ ۴؛

۲. عسعء عسعنی، فقه ۴، ج ۲، ص ۶۶۶-۲۰۰؛

حاکمان جز با نرمی و ملایمت نمی‌توانند، فاصله‌های میان خود و مردم را بردارند، در اعماق دل آن‌ها نفوذ کرده، آنان را با خود همراه نمایند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام به کارگزاران خود توصیه می‌فرمود که در اداره امور جامعه و تعامل با مردم، اصل رفق و مدارا و مهربانی را ملاک قرار دهند و حتی‌الامکان از برخورد شدید و تند بپرهیزند. ایشان در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود می‌نویسد:

«وَأَرْفُقُ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفُقًا، وَأَعْتَزِمُ بِالشَّدَةِ ... وَ اخْفِضْ لِلرَّغِيهِ جَنَاحَكَ، وَأَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ.»^{۹۸} ملادام که مدارا کردن بهتر است مدارا کن؛ اما در آنجا که جز شدت عمل تو را بی‌نیاز نمی‌کند تصمیم به شدت بگیر. پروبالت را برای مردم بگستران و با چهره گشاد با آن‌ها روبه‌رو شو.

۴-۱. مشورت کردن

مشورت در لغت عبارت است از تبادل کردن دو یا چند نفر با یکدیگر به منظور یافتن راه‌حل یا تصمیم‌گیری درباره موضوعی و همچنین به معنی شور، رایزنی، نصیحت، پند و اندرز نیز هست. مشورت در اداره امور و پرهیز از خودرأیی از مؤکدترین کارها در راه و رسم حاکمیتی امیر مؤمنان است. آن حضرت همچون رسول خدا صلی‌الله علیه و اله با وجود برخورداری از مقام عصمت و طهارت و باآنکه از نظر علم و دانش، عقل و خردمندی و تدبیر و سیاستمداری در مرتبه‌ای قرار داشت که او را از آراء و نظرات دیگران بی‌نیاز می‌ساخت اما پیوسته مشورت می‌کرد و به کارگزاران خود می‌آموخت که چنین کنند. امام علی علیه‌السلام در نامه‌ای که به سران سپاه خود مرقوم کرده، می‌نویسد: «أَلَا وَ إِن لَّكُمْ عِنْدِي... أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ»^{۹۹} آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم.

امیر مؤمنان علیه‌السلام هیچ حامی و پشتیبانی را در اداره امور چون مشورت نمی‌دانست و در این باره فرموده است:

«لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ»^{۱۰۰} هیچ پشتیبانی استوارتر از مشورت کردن نیست.

و نیز فرمود:

«لَا مَظَاهِرَةَ أَوْثَقُ مِنَ مَشَاوَرَةِ»^{۱۰۱} پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت کردن نیست.

برای مشورت در هر امر، باید از مشاورانی مناسب و صاحب‌اهلیت بهره گرفت. به‌طور کلی مدیر باید با کسانی مشورت کند که متصف به خداترسی، پروا پیشگی، رازداری و شجاعت باشند و از خردی نیکو و تجربه‌ای پر بار برخوردار باشند و با اشخاص ترسو، حریص، دروغ‌گو، جاهل، احمق و کسانی که زمام احساسات خویش را در دست ندارند، نباید مشورت کرد. امیرالمؤمنین

۹۸. سیبویه، فرهنگ ب. باگ‌جمع نذیب ۱ (۱۱۱۱)، ج ۱، ص ۲۲۲؛ جبران مسعود، الزائد، ج ۱، ص ۱۱۱؛ خلیل جرّ، لاروس، ج ۱، ص ۸۸۸.

۹۹. نهج اللغه. ۶۶. ۱۱۱۱ رر، فرهنگ بزرگ گنگن، ج ۷، ص ۷۷۷۷؛ جبران مسعود، الزائد، ج ۲، ص ۰۰۰۰؛ خلیل جرّ، لار و و، ج ۲، ص ۸۸۸۸.

۱۰۰. همن، نئذ ۱۰!

۱۰۱. همن، حککک ۴۴!

۱۰۲. همن، حکککک ۳۳۳!

علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر چنین نوشته است: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا... يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ»^{۴۳} بخیل را در مشورت کردن دخالت نده، ... که ریشه آن‌ها بدگمانی به خدای بزرگ است.

۵-۱. پاسخگویی به مردم

به عقیده امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یک نظام سیاسی مطلوب حاکمان و کارگزاران سؤال از خود را قانونی دانسته و هر لحظه برای پاسخگویی به مردم حتی در مورد کوچک‌ترین مسائل آماده‌اند. اگر مردم کوچک‌ترین بدگمانی نسبت به حاکمان و انجام وظایف آنان بردند حاکمان و کارگزاران باید با پیش‌قدمی در میان مردم حاضر شده و به شبهات موجود پاسخ گفته و مسائل را روشن نمایند. امام علی علیه السلام خطاب به حاکم مصر می‌نویسد:

«إِنْ ظَنَّتِ الرَّعِيَّةُ بِكَ حَيْفًا... حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ»^{۴۴} هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خودسازی تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت است و این پوزش‌خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد.

این اقدام رهبران جامعه موجب رفع اتهام از آنان شده و از سوی دیگر مردم نسبت به نظام سیاسی جامعه خود احساس آرامش و اطمینان بیشتری می‌نمایند و در نتیجه مهر و محبت بین نخبگان سیاسی و مردم افزایش می‌یابد.

۲. تأمین امنیت

خلیل بن احمد در العین امن را به ضد ترس و خوف معنا کرده و مأمّن را موضع بدون ترس دانسته است.^{۴۵} آنچه از مجموع دیدگاه اهل لغت به دست می‌آید این که امنیت به معنای آرامش، نترسیدن، وحشت نداشتن و اضطراب نداشتن است.^{۴۶} امام علی علیه السلام امنیت را نعمتی گوارا می‌داند که سرمنشأ رفاه زندگی و آسایش شهروندان است. امنیت واقعی مبتنی بر نظم و قانون الهی همواره مورد تأکید امام علی علیه السلام و از اهداف و آرمان‌های عالی ایشان بوده است. آن حضرت به خاطر ضرورت وجود امنیت و قدرتی نظم‌آفرین معتقد به محال بودن عدم وجود حکومت هستند؛ و حتی حکومت بد و قوانین نامطلوب را، از هرج‌ومرج و بی‌قانونی بهتر و آسیب و تباهی‌اش را کمتر می‌داند، زیرا در برابر بی‌قانونی و هرج‌ومرج تمام راه‌های نجات مسدود و کلیه امور و حدود تعطیل و فتنه طولانی حاکم می‌شود. امیر مؤمنان عدم وجود نظم اجتماعی و قانون مداری و به دنبال آن عدم برقراری امنیت را از اسارت انسان در چنگال حیوانی درنده بدتر می‌داند و می‌فرماید:

«پیشوای دادگر از باران پیوسته (که همه چیز را بارو می‌کند) بهتر است و جانور درنده و آدم‌خوار از فرمانروای ستمگر بهتر است و فرمانروای بیدادگر از ادامه هرج‌ومرج نیکوتر است»^{۴۸}

امام علی علیه السلام فراهم کردن امنیت همه‌جانبه را مقصدی اساسی می‌دانست که در سایه آن رشد و تعالی مردمان سامان می‌یابد. آن حضرت در این مورد می‌فرماید:

^{۴۳}..همین ذننذ ۳۳، ببی ۸۸.

. همین ذننذ ۳۳ ببی ۹۰۰.

.. ببی ببی بید، العین، ج ۸ ، ، ۴۷۷.

.. غب فف فف فف، المور ۱۱ فف غریب الفققن، ص ۵۵.

. دلشاد تهرانی، حکمت حکومت، ص ۴۰.

«اللَّهُمَّ إِنِّكَ تَعْلَمُ... وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»^۱ خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد. امنیت از منظر امام علی علیه‌السلام ابعاد گوناگونی دارد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. امنیت عمومی

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام معتقد بودند که همه مردم حتی غیرمسلمانان نیز باید از امنیت برخوردار باشند. آن حضرت در دستورالعملی به یکی مأموران حکومتی خود می‌نویسد: «وَلَا تَمَسَّنْ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلٍِّ... فَيَكُونَ شَوْكَةً عَلَيْهِ»^۲ و به مال کسی «نمازگزار باشد، یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است» دست‌اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود. زیرا برای مسلمان جایز نیست آن‌ها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارد تا نیرومندتر از سپاه اسلام گردند.

آن ولی خدا در این بیان مرز آزادی و امنیت عمومی شهروندان را نیز معلوم کرده‌اند و آن مرز تا جایی است که امنیت نظام و مردم به خطر نیفتد.

۲-۲. امنیت اقتصادی

از نگاه امام علی علیه‌السلام مردم باید درباره اموال و دارایی‌های مشروع خود امنیت و آرامش خاطر داشته باشند. هنگامی که عبدالله بن زمعنه که یکی از یاران ایشان بود به نزد حضرتش آمد و مالی طلب کرد. حضرت چنین پاسخ داد: «إِنَّ هَذَا الْمَالَ لَيْسَ لِي وَلَا لَكَ... أَيْدِيهِمْ لَا تَكُونُ لِغَيْرِ أَفْوَاهِهِمْ»^۳ این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن توست، غنیمتی گردآمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند، اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چون سهم آنان داشتی، و گرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود.

۲-۳. امنیت اجتماعی

از وظایف اساسی حاکم اسلامی تأمین امنیت جان و مال و حیثیت افراد هست. امام علی علیه‌السلام در خطبه‌ها و نامه‌های مختلف به اهمیت این بعد از امنیت تأکید کرده و تأمین آن را یکی از وظایف حاکمیت می‌داند آن حضرت آن را از اهداف اصلی حکومت خود می‌شمارد و می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي... وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ»^۴ خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و

۱. .تی، نهج البلاغه، خطیب ۱۱۱ بند ۳ - ۴؛

۲. همن، نمنن ۱۱، بیب ۵ - ۴؛

۳. همن، خطیب ۲۲۲؛

۴. همن، خطیب ۱۱۱، بیب ۳؛

در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امن وامان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش‌شده تو بار دیگر اجرا گردد.

امیرالمؤمنین امنیت اجتماعی را برای تمام مردم و حتی شهروندان غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلامی به سر می‌برند را نیز ضروری می‌داند آن حضرت اتفاقی که در اثر سستی و عدم فرمان‌برداری از امام علیه‌السلام افتاده بود یارانش را توبیخ می‌کند و می‌فرماید:

«أَلَا وَ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ ... مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمًا وَلَا أَرِيَقَ لَهُمْ دَمًا»^{۳۳} آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکار، شمارا به مبارزه با شامیان دعوت کردم و گفتم پیش از آن که آن‌ها با شما بجنگند با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند، هر ملّتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد ... به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره‌های آن‌ها را به غارت برده، درحالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته‌اند ...

به اینجا که می‌رسد امام علیه‌السلام با تأسف شدید از این حادثه می‌فرماید:

«فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ يَهْمًا لِي بِمُؤْمِنٍ بَلْ كَانَ يَهْمًا لِي بِعَدِيٍّ جَدِيدٍ»^{۳۴} اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.

امام‌المتقین از اینکه امنیت و آسایش جامعه به خطر افتاده وقتی زن غیرمسلمانی مورد آزار واقع شده است تأسف می‌خورد و می‌فرماید اگر انسان آزاداندیشی از غصه این کار دق کند و بمیرد سزاوار و شایسته است؛ یعنی تا این حد امنیت اجتماع و جامعه از نظر ایشان مهم و مسئله‌ای حیاتی است.

و همچنین حضرت علی علیه‌السلام آبادانی شهرها را مستلزم داشتن امنیت می‌داند و از نظر ایشان در شهری که در آن امنیت نباشد آبادانی نیست و شهری که چنین باشد بدترین شهرهاست. آن حضرت می‌فرماید: «شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا حِصْبٌ»^{۳۵} بدترین شهرها شهری است که در آن نه امنیت باشد و نه ارزانی.

۴-۲. امنیت نظامی

مولی‌الموحدين امام علی علیه‌السلام امنیت نظامی را برای کشور و دولت لازم می‌داند و لذا به مالک اشتر فرمان می‌دهد که:

«وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوٌّكَ لَلَّهِ فِيهِ رِضْيٌ، فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَاً لَجُنُودِكَ... وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ»^{۳۶} هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد.

۳۳. همن، خطیب ۷۷، بید ۷ - ۳۴.

۳۴. همن، بید ۸.

۳۵. تمیّم‌آمی، غرر الّکم، ج. ۱، ص ۹۱۱.

۳۶. همن، نند ۳۳، بند ۲۲۲.

۵-۲. امنیت آبرو و اسرار مردم (امنیت فردی)

امنیت در اسلام، تنها در مورد جان و مال و حقوق و آزادی‌های مربوط به این موارد صادق نیست، بلکه شامل شخصیت، شرف، آبرو و حیثیت افراد نیز می‌شود. امام علیه‌السلام حفظ آبرو و اسرار مردم را از وظایف اصلی حاکم و رهبر جامعه می‌داند و آن را به مالک اشتر چنین مرقوم می‌کند:

«وَلَيْكُنْ أَبَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ ... يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ»^{۱۷} از رعیت، آنان را که عیب جوترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه هویداست بیپوشانی، که داوری در آنچه از تو پنهان است باخدای جهان هست، پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بیپوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بیپوشاند.

۶-۲. امنیت کشور (جهاد)

یکی از مسائلی که در جهان اسلام وجود دارد و بدون تشکیل حکومت امکان عملی شده آن وجود ندارد مسئله جهاد هست. دفاع از جان، مال، آبرو و حیثت مسلمانان و حفاظت از کیان سرزمین‌های اسلامی بی‌تردید از واجبات و از وظایف حاکمیت اسلامی هست؛ و امام علی علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر، یکی از وظایف مالک را جهاد با دشمنان اسلام بیان می‌کند و می‌فرماید:

«حِينَ وَالَهُ مِصْرَ جَبُوءَ خَرَاஜِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا»^{۱۸} هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.

خلاصه کلام اینکه جهاد یکی از فرایض مهم الهی است که باید حکومت اسلامی همواره آمادگی لازم را داشته باشد تا در صورت لزوم این امر الهی را اقامه نمایند. حضرت علی علیه‌السلام در خطبه معروف به خطبه جهادیه^{۱۹} جهاد در راه خدا را دری از درهای بهشت که به روی دوستان مخصوصش گشوده، لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند، معرفی کرده است و ترک‌کننده آن را دچار مصیبت و بلا ذلت و خواری و محروم از عدالت می‌داند.

۳. تعامل با اقلیت‌های دینی

اقلیت‌های دینی در اسلام که از آن‌ها تعبیر به اهل کتاب می‌شود بیشتر به پیروان ادیان یهود، مسیحیت و زرتشتی اطلاق می‌شود؛ یعنی اسلام ادیان سه‌گانه یادشده را به رسمیت می‌شناسد و برای پیروانشان حقوق و آزادی‌هایی در نظر گرفته است؛ و گاهی هم به این نوع افراد اهل ذمه می‌گویند. اما به نظر می‌رسد که دایره اهل ذمه از اهل کتاب گسترده‌تر است. چراکه اهل ذمه غیرمسلمانانی - چه پیروان ادیان یادشده چه غیر این‌ها مثل صابئین و... هستند که بر اساس عقد پیمان با حکومت در کشور اسلامی ساکن می‌شوند. در این پیمان، حکومت و غیرمسلمانان متعهد می‌گردند اموری را به سود یکدیگر مراعات کنند.

۱۷. همن، بند ۵۵ - ۲۴۴.

۱۸. دد، د، د، د، ن، ه، ا، ا، ا، ا، ا، ن، ن، ن، ن، ۳۳، ببی ۹.

۱۹. همن، خطبه ۹۷.

این نوع قراردادها دائمی است. تا وقتی اهل ذمه به تعهدات خویش پایبند باشند، حکومت نمی‌تواند بدون توافق با آن‌ها قرارداد را نقض و آنان را از کشور اخراج کند.

در نگاه حضرت علی علیه‌السلام، ره‌آورد زندگی در جامعه اسلامی برای اقلیت‌های مذهبی، در گستره حقوق سیاسی مدنی به شرح زیر هست:

۱-۳. حق برخورداری از امنیت

اقلیت‌های غیرمسلمان با پذیرش قوانین کشور اسلامی، تبعه آن کشور شمرده می‌شوند؛ جان، مال و حیثیتشان، چون مسلمانان، در پناه حکومت قرار می‌گیرد و هیچ‌کس حتی رئیس کشور حق ندارد ظالمانه و غیرقانونی با آنان رفتار کند. حضرت علی علیه‌السلام درباره برخورداری آنان از حق امنیت می‌فرماید:

«أَمْوَالُهُمْ كَأَمْوَالِنَا وَ دِمَائِهِمْ كَدِمَائِنَا» آنان اموالشان چون اموال ما و خون‌هایشان مانند خون‌های ما است.

بدین معنا که اقلیت‌های دینی پس از قبول شرایط ذمه، اموالشان چون اموال ما مسلمانان و خون‌هایشان مانند خون‌های ما در پناه حکومت است.

آن حضرت چنان بدین مهم توجه داشت که وقتی دریافت سپاه معاویه، به نام دفاع از اسلام به زنان غیرمسلمان ساکن در کشور اسلامی حمله کردند و زیورآلات آنان را به غارت بردند، اندوهگین شد و فرمود:

«لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ ... مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا» ایّه من خبر رسیده که مردی از

لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره‌های آن‌ها را به غارت برده، ... اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.

این کلام امام علی‌السلام نشان می‌دهد تأمین امنیت جانی و مالی اهل ذمه‌ای که در پناه حکومت اسلامی به سر می‌برند، از وظایف حاکم و حکومت اسلامی است.

۲-۳. تساوی افراد در برابر قانون

اجتماع با افرادی که خواست‌ها، عقاید، اخلاق و گرایش‌های متفاوت دارند و به جلب منافع خود می‌اندیشند، شکل می‌گیرد. بی‌تردید، رعایت عدل و انصاف و اصل تساوی در برابر قانون در روابط افراد ضرورت دارد. جلوگیری از ستم و اجحاف و گسترش عدالت از مهم‌ترین دغدغه‌های آن حضرت بود. در نگاه حضرت، ستم به هر کس و از هر کس قبیح است. امام در گفتارهای خویش بر این نکته بسیار پای می‌فشارد که هر جامعه‌ای به حاکم و حکومت نیازمند است تا افراد در پناه آن به حقوق خویش نائل آیند؛ یعنی هدف از حکومت را بهره‌مندی شهروندان از حقوق قانونی خود می‌داند و می‌فرماید:

۱. حرعصم، مسیل اللیعه، ج ۱، ص ۹۹۹.

۲. تی، نهج اللایلا، خطیب ۷۷، بیه ۸ - ۶.

«وَإِنَّهُ لَأَبَدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَ يَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ»^{۲۲} ذکر حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند. امام علی علیه‌السلام حق استفاده کافر از حکومت و حقوق فراهم‌شده از سوی حاکم را یادآور می‌شود. بنابراین غیرمسلمانان ساکن در کشور اسلامی نیز حق دارند، از بهترین ره‌آورد حکومت که همان عدالت اجتماعی است، بهره‌مند شوند؛ چنان‌که در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌نویسد:

«وَ أَسْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ ... فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»^{۲۳} مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چو نان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دودسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند.

۳-۳. حق اعتراض به عملکرد حاکمان

حاکم، در برخورد با غیرمسلمانانی که در پناه کشور اسلامی زندگی می‌کنند، باید میانه‌رو باشد؛ و نباید به نام اهل ذمه بودن به آن‌ها ظلم کرد. در زمان زمامداری امام علی علیه‌السلام کشاورزان غیرمسلمان یکی از شهرها از برخورد خشن و تند فرماندار خودشان به امیر مؤمنان شکایت کردند. حضرت علی علیه‌السلام، در نامه‌ای به عمر بن ابی‌سلمه ارحبی او را به اعتدال فرامی‌خواند و می‌نویسد:

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ دَهَاقِينَ أَهْلِ بَلَدِكَ شَكُوا مِنْكَ غِلْظَةً وَ قَسْوَةً ... وَ الْإِدْنَاءِ، وَالْإِبْعَادِ وَالْأُقْصَاءِ»^{۲۴} همانا دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من درباره آن‌ها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتیم، زیرا که مشرک‌اند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری هستند، زیرا که با ما هم‌پیمان‌اند، پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم‌آمیزی، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن.

حضرت در این جملات، ضمن پذیرش اعتراض آنان به عملکرد بد حاکم، به حاکم سفارش می‌کند نرمش و سختی را تاروپود سیاست خویش سازد. حتی در مواردی هم که قاطعیت و خشونت ضرورت دارد؛ هرگز نباید اعتدال و میانه‌روی فراموش شود.

اما اصولی که مسلمانان باید در مواجهه با غیرمسلمانان مراعات کنند، چنین است: دعوت به پذیرش اسلام و هدایت آن‌ها علی‌الخصوص با عمل و رفتار شایسته، وفای به عقود، احسان و نیکوکاری، تألیف قلوب، نفی سبیل.^{۲۵}

۲۲. همن، خطیب، ۱۰۰.
۲۳. همن، نزنند، ۹.

۲۴. همن، نزنند، ۹۹.

مستضعف را نجات دهند. چراکه گسترش فقر و ازدیاد محرومان عواقب بدی را به همراه دارد از جمله آن‌ها گسترش ناامنی، تکدی‌گری، بیکاری، بی‌حالی، افسردگی، دل‌مردگی و ... در جامعه هست؛ و تک‌تک این‌ها می‌تواند نظم و امنیت جامعه را به هم بریزد و زندگی را برای قشرهای دیگر اجتماع سخت کند؛ زیرا جامعه پیکری تفکیک‌شده و اعضا و اجزای آن جدا و بریده از هم نیست. سلامت و سامان یک گروه اجتماعی در گرو سلامت و سامان دیگر گروه‌هاست.

پیوند گروه‌های اجتماعی و اعضای جامعه انسانی مجازی نیست. بلکه پیوندی حقیقی است و نمی‌توان زیست انسانی و ایمانی منهای پیوندهای انسانی و ایمانی داشت و این حدیث نبوی در این باره کاملاً گویاست:

«حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانی و دلسوزی نسبت به یکدیگر، حکایت پیکر (آدمی) است که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضای بدن با شب نخوابیدن و تبادار شدن با آن همدردی می‌کنند».^{۵۱}

سخن بلندآوازه شیخ اجل، سعدی شیرازی ترجمان همین حقیقت است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی^{۵۲}

تا اینجا آنچه بیان شد تقریباً وظیفه قشرهای مختلف جامعه در برابر قشر محروم جامعه بود. ولی آنچه در نهج البلاغه بیشتر مورد تأکید قرار گرفته وظیفه حاکم در مقابل این گروه است؛ و امام علیه‌السلام اصرار دارند که حاکم باید رسیدگی به امور این‌ها را شخصاً خودش به عهده گیرد؛ و این نشانگر نهایت اهمیت موضوع هست. امام علی علیه‌السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌نویسد:

«وَ اجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ ... اَمْنَعُ فِي إِجْمَالٍ وَ إِعْذَارٍ»^{۵۳} پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، ... پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، ... آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی بازمی‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد.

خلاصه کلام اینکه زمامداران موظفانند، برای انجام دادن بایسته وظایف خود نسبت به گروه‌های اجتماعی اهتمام ویژه داشته باشند و تلاش کنند، آنچه را خداوند در این جهت بر عهده آنان گذاشته است به درستی ادا نمی‌نماید. هیچ کوتاهی در آن روا ندارند. اگر رهبران نمی‌توانند از عهده این وظایف آن‌گونه که باید، برآیند، حق ندارند در جایگاه رهبری قرار گیرند؛ و باید بدانند که انجام دادن این امور تعهدی است الهی و گذشته از پاسخگویی به مردمان در مقابل خداوند مسؤولند و اوست که آنان را درباره آنچه بدان ملزمشان ساخته است: «مَا أَلْزَمَهُ اللَّهُ»^{۵۴} سخت مواخذه می‌کند و حساب خواهی می‌نماید.

۱۱ . . شاد تهرانی، دلالت دولت، ص ۴۴۴؛ به نقل از کنز العمال، ج ۱، ص ۹۹۹.

گ. للنتن، ببی ۱۱۱، محمد بی ۰۰، ص ۶۶.

. . . . نهج الإللاذ نننذ ۳۳، ببی ۳۳۳ - ۲۹۹۹.

. . . . نهج الإللاذ، نننذ ۳۳، ببی ۹۹.

۵. عمران و آبادانی

یکی از اصول مسلم اقتصادی از نظر امام علی علیه السلام توجه به عمران و آبادانی کشور است. آن حضرت در ابتدای نامه خود به مالک اشتر یکی از وظایف او را آبادانی و عمران می‌داند و می‌نویسد:

«هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ ... عِمَارَةَ بِلَادِهَا»^۹ «این فرمان بنده خدا علی امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.

حضرت علی علیه السلام تصریح می‌کند زمینه عمران و آبادی در زمین و طبیعت همیشه وجود دارد و این دولتمردان هستند که باید موانع آن را از بین ببرند و برنامه‌ریزی صحیح داشته باشند. امام علی علیه السلام در بخش دیگر همان نامه به مالک می‌نگارد:

«إِنَّ الْعُمَرََانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ وَ إِنَّمَا يُؤْتَى ... سُوءٍ ظَنَيْهِمْ بِالْبَقَاءِ وَ قَلِيلٌ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ»^{۱۰} «عمران و آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است و تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامداری است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند.

نتیجه گیری

از مجموع مباحثی که گذشت، چنین نتیجه گرفته می‌شود که مکتب اسلام دارای یک سری قوانین و احکام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... هست که جز با تشکیل حکومت اسلامی قابل تحقق نیست؛ و لذا تشکیل حکومت اسلامی، چه در عصر حضور و چه در زمان غیبت، ضرورت دارد؛ چون شریعت اسلامی منحصر به زمان و مکان خاصی نیست، بلکه الی‌الابد است؛ و جا معیت این مکتب الهی و انسانی و جاودانگی آن، بیانگر لزوم تشکیل حکومت اسلامی است. حاکم اسلامی موظف است تمامی دستورات و احکام الهی را بی‌کم‌وکاست و کاست اجرا کند؛ و دریافتیم که حکومت اسلامی و همه امکانات حکومتی بدین جهت در اختیار حاکم قرار می‌گیرد که در خدمت مردم به کار رود. حکومت امانتی است. در دست گروهی که در پرتو آن، هدف‌های اصلی آن یعنی هدایت، احیای حق و اجرای عدالت تأمین شود؛ و حاکمان تنها امانت‌دار هستند و آنگاه در ایفای وظیفه خویش توفیق می‌یابند که تنها و تنها به «حق و عدل» عمل کنند. حضرت علی علیه السلام در این باره خطاب به مالک اشتر می‌نویسد:

«دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین

باشد.»

۹...تی، نهج البلاغه نند ۳۳، بند ۹:

۱۰...همن، بی ۶۶ - ۵۵:

منابع

قران

نهج البلاغه، ترجمه دشتی

- ابن آبی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه.ق.
- آقایی، بهمن؛ بابایی، علیرضا؛ فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر ویس، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ه.ش.
- انوری، حسن و دیگران، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، چاپ هفتم، ۱۳۹۰ ه.ش.
- بحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم، شرح نهج البلاغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
- جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه: حمید طبیبیان، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- حداد عادل، غلامعلی و جمعی از نویسندگان، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
- حرّعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: انتشارات آل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ ه.ق.
- حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف (دایرة المعارف جامع اسلامی)، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ه.ش.
- دل شاد تهرانی، دلالت دولت (آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر)، تهران: انتشارات دریا، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- دل شاد تهرانی، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه: داود الهامی، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا (ع)، ۱۳۷۰.
- دل شاد تهرانی، حکمت حکومت (حکومت در نهج البلاغه)، تهران: انتشارات دریا، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الغریب القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ه.ق.
- رشاد، علی اکبر و دیگران، دانش نامه امام علی (ع)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ه.ش.
- سعدی شیرازی، مصلح الدین، گلستان، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ه.ش.
- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (المنجد)، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ه.ش.
- شریعتی، روح الله، اقلیت های دینی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱ ه.ش.
- طاهری، حبیب الله و دیگران، حکومت و سیاست از دیدگاه امام علی (ع)، مشهد: انتشارات امام محمدباقر (ع)، ۱۳۸۰.
- طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، تهران: نشر علمی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- عبدالوهاب تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: سید حسن شیخ الاسلامی، قم: انتشارات انصاریان، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ه.ش.
- علیخانی، علی اکبر، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ه.ش.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ه.ش.
- فاضل لنکرانی، محمد، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، تنظیم و تدوین: حسین کریمی زنجانی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ دهم، ۱۳۸۸ ه.ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: موسسه دارالهجره، بی تا.
- محمدی ری شهری، محمد و دیگران، سیاست نامه امام علی (ع)، ترجمه: مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ه.ش.

محمدی ری شهری، محمد و دیگران، دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ، قم: دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ه.ش.

مسعود، جبران، الرائد، ترجمه: رضا انزابی نژاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ه.ش.
نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ه.ش.
هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران، فرهنگ فقه شیعه مطابق مذهب اهل‌بیت (ع)، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۹ ه.ش.

